



## Identify and analyze the challenges of political space management in the metropolis of Tehran with the data foundation approach

khatam, S<sup>a</sup>, Ahmadi, S.A<sup>b,1</sup>, Veisy, H<sup>c</sup>, Vasegh, M<sup>d</sup>

<sup>a</sup> PhD of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>b</sup> Assistant Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>c</sup> Associate Professor of Political Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran.

<sup>d</sup> Assistant Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Research Article

### ABSTRACT

**Objective:** Due to the importance of organizing space in the development of countries, governments are particularly serious about the proper division of their territorial space. The aim of this study is the pathology of political space management in the metropolitan city of Tehran.

**Methods:** The present study was performed qualitatively using the data-based method and the data extracted from semi-structured interviews with 20 experts. The research was conducted in three stages of open coding, axial coding and selective coding. Foundation data method including contextual factors, causal factors, intervening factors, strategies and outcomes were identified.

**Results:** In coding, 268 codes were first extracted and finally 60 codes were extracted from the interviews and steps were taken later. In the categories of rule of law, lack of comprehensive law, multiple management and unrest and security challenges; causal factors in the categories of extreme centralism and society and culture; Interfering factors in the categories of overcrowding and anti-corruption; Strategies were divided into the categories of the right to comment and accountability and the political participation of citizens, and consequently the categories of government effectiveness, improving the quality of regulation and political stability, and non-violence.

**Conclusion:** In general, it can be said that the pathology of political space management in the metropolis of Tehran is very important.

**Keywords:** Integrated Management, Political Organization, Space, Tehran Metropolis.

Received: July 27, 2020 Reviewed: December 10, 2020 Accepted: February 27, 2021 Published online: March 21, 2021

**Citation:** khatam, S., Ahmadi, S.A., Veisy, H., Vasegh, M (2021). *Identify and analyze the challenges of political space management in the metropolis of Tehran with the data foundation approach*. Journal of Urban Social Geography, 8(1), 221-242. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2040](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2040)

<sup>1</sup> Corresponding author at: University of Tehran, Tehran, Iran, P.C: 1417853933. E-mail address: [abbas\\_ahmadi@ut.ac.ir](mailto:abbas_ahmadi@ut.ac.ir) (Ahmadi, S.A).



## شناسایی و تحلیل چالش‌های مدیریت سیاسی فضا در کلانشهر تهران با رویکرد داده‌بنیاد

سعید خاتم<sup>a</sup>، سیدعباس احمدی<sup>b</sup> و<sup>c</sup> هادی ویسی<sup>c</sup>، محمود واثق<sup>d</sup>

<sup>a</sup> دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>b</sup> استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>c</sup> دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

<sup>d</sup> استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### مقاله پژوهشی

### چکیده

**تبیین موضوع:** به دلیل اهمیت سازمان‌دهی فضا در توسعه کشورها، دولت‌ها نسبت به تقسیم فضای سرزمینی خود به شکل مناسب جدیت خاصی دارند. هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی فضا در کلانشهر تهران می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر به صورت کیفی و به روش داده بنیاد و توسط داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از خبرگان استفاده شد. پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گردید. همچنین آسیب‌شناسی در پنج شبکه اصلی روش داده بنیاد شامل عوامل زمینه‌ای، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی گردیدند.

**یافته‌ها:** در کدگذاری باز ابتدا ۲۶۸ کد و در نهایت ۶۰ کد از مصاحبه‌ها استخراج و وارد مراحل بعد شد. در کدگذاری محوری، ۵ شبکه اصلی، ۱۳ مقوله اصلی و ۵۰ مقوله فرعی شناسایی گردید که توسط یک مدل در کدگذاری انتخابی معرفی شد. عوامل زمینه‌ای در مقوله‌های حاکمیت قانون، نبود قانون جامع، مدیریت چندگانه و ناآرامی‌ها و چالش‌های امنیتی؛ عوامل علی در مقوله‌های تمرکزگرایی شدید و جامعه و فرهنگ؛ عوامل مداخله‌گر در مقوله‌های ازدحام جمعیت و مبارزه با فساد؛ راهبردها در مقوله‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی و مشارکت سیاسی شهروندان و پیامدها در مقوله‌های اثربخشی دولت، بهبود کیفیت مقررات و ثبات سیاسی و عدم خشونت تقسیم‌بندی شدند.

**نتایج:** به‌طور کلی می‌توان گفت که بر اساس نتایج بدست آمده عوامل زمینه‌ای مشتمل بر ۴ مقوله حاکمیت قانون، نبود قانون جامع، مدیریت چندگانه و ناآرامی‌ها و چالش‌های امنیتی، عوامل علی مشتمل بر ۲ مقوله شامل تمرکزگرایی و جامعه و فرهنگ، عوامل مداخله‌گر مشتمل بر ۲ مقوله ازدحام جمعیت و مبارزه با فساد، عوامل راهبردها مشتمل بر ۲ مقوله حق اظهار نظر و پاسخگویی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت یکپارچه، سازماندهی سیاسی، فضا، کلانشهر تهران.

انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

بازنگری: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

استناد: خاتم، سعید؛ احمدی، سیدعباس؛ ویسی، هادی؛ واثق، محمود (۱۴۰۰). *شناسایی و تحلیل چالش‌های مدیریت سیاسی فضا در کلان-شهر تهران با رویکرد داده‌بنیاد*. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸ (۱)، ۲۴۲-۲۲۱.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2040](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2040)

## مقدمه

پیدایش شهر به نخستین تمدن‌های بشری بر می‌گردد، آنگاه انسان تحولی عظیم را در فرهنگ به وجود می‌آورد و به واسطه عواملی چون انقلاب کشاورزی، رواج داد و ستد و تجارت، اختراع خط و عوامل سیاسی، اداری، نظامی و مذهبی موجب تکامل شهر را فراهم ساخت. انقلاب صنعتی نیز به عنوان محرکی نیرومند با ایجاد نهادهای اداری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نه تنها فضای سه بعدی شهر را دگرگون ساخت بلکه تغییرات و تحولات گوناگونی را در عرصه حیات اجتماعی آن موجب شد. بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل، تا سال ۲۰۲۵، تعداد ابرشهرها در کشورهای در حال توسعه به ۴۸۶ شهر خواهد رسید. در حالی که این تعداد در سال ۱۹۶۰ فقط ۵۶ شهر بوده است. این شهرها عمدتاً مراکزی هستند که نسبت بسیار بالایی از جمعیت در آن‌ها زندگی کرده، مصرف عظیم منابع نیز در آن‌ها اتفاق می‌افتد. از حدود سال ۱۹۵۰ به دلایل مختلف شهرها در جهان سوم رشد بی‌سابقه‌ای داشته‌اند. در کشورهای در حال توسعه، هر سال به میزان ۵۰ میلیون نفر بر جمعیت شهری اضافه شده که پیرو آن تقاضاهای مسکن و خدمات شهری مطرح می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰). شهر به عنوان سیستمی متشکل از اجزاء و عناصر مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی - فضایی و محیطی، پیچیده‌ترین فضایی است که انسان در روند تکامل تمدن شکل داده است. شهر محل تمرکز جمعیت، منابع (انسانی، مواد، کاربری زمین، آب و انرژی)، اطلاعات، قدرت اقتصادی و فرصت‌ها و به همان نسبت محل تمرکز آلودگی و کژکاری‌ها از تراکم ترافیک گرفته تا جرم و جنایت است (Bugliarello, 2006: 21). شهرنشینی امروزه یکی از چالش‌های اساسی است که بیشترین میزان آن در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده و سالانه تا ۶۰ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین این مناطق افزوده می‌شود (Stephens & Satterthwaire, 2008: 300). در کنار مشکلات پیش روی گسترش شهرنشینی و رشد نابرابر شهرنشینی در مناطق مختلف (Harvey, 1985)، برخی از صاحب‌نظران همچون گلاسر بر اهمیت رشد شهرها در توسعه اقتصادی آن‌ها و کشورها تأکید دارند (Glaeser, 2011). رشد و گسترش بی‌رویه شهرها و افزایش جمعیت آن‌ها در قرون اخیر باعث تراکم مادی و اخلاقی فضاها، کم‌تر توسعه‌یافته و توسعه‌یافته شهری شده است به طوری که وضع مقررات و تدوین قوانین شهری و تعریف و وضع تکلیف و حقوق شهروندی و مسئولیت حاکمیت شهری و حکمروایی خوب جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی شهری از الزامات شهرنشینی از عصر سنت تا مدرنیته بر اساس مقتضیات زمان مورد توجه اندیشمندان و متفکرین و مدیریت شهری بوده است (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۸۹). یکی از اهرم‌های اصلی در موفقیت اداره شهرها، هماهنگی میان سازمان‌های ذیربط است. به عبارت دیگر تعدد سازمان‌ها و نهادهای اداره‌کننده شهر (کنشگران شهری) و اداره بخشی شهر بدون وجود هماهنگی، موجب سردرگمی و اتلاف منابع شهر و ناموفق بودن اداره آن است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). با توجه به این مطالب، مقاله حاضر به دنبال آسیب‌شناسی وضعیت موجود مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران می‌باشد.

## پیشینه نظری

**سازمان‌دهی سیاسی فضا:** انسان با فعالیت در محیط طبیعی، محیط مصنوع را می‌سازد. فضا مجموعه‌ای از انسان-ها، فعالیت‌ها، محیط طبیعی و محیط مصنوع است. به بیان دیگر، فضا محدود به ابعاد فیزیکی نشده و آنچه را در خود داشته اعم از فیزیکی و غیرفیزیکی و یا ایستا و پویا را شامل شده و دارای بعد زمان است. در واقع فضا مفهوم وسیع‌تری نسبت به مکان دارد و به مجموعه ساختارهای مکانی در ابعاد سطحی و ارتفاع گفته می‌شود. از این رو، فضا در برگزیده اشکال مختلف مکانی است که در آن نظم معینی نسبت به یکدیگر قرار قرار داشته و کاربردی متفاوت دارند و روابط پیوندگی گوناگون میان آن‌ها برقرار است. تجلی تلاش انسان در جوابگویی به نیازهایش رشد و توسعه فضاست. فضای

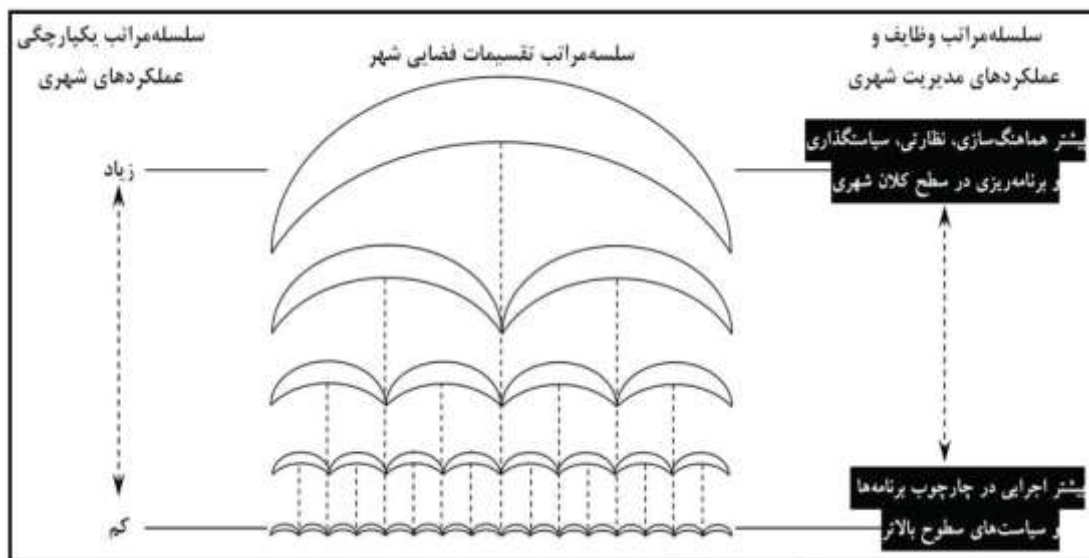
توسعه حیطة چنین تلاشی است که در بر گیرنده پدیده‌های عینی و ذهنی و روابط آن‌ها بوده و محتوی توسعه را کالبد می‌بخشد. گاه اقدامات هدفمند انسان و تلاش آگاهانه و گاه خود به خودی و اتفاقی به توسعه فضا ختم می‌شود (افضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

مدیریت عبارت است از فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و هدایت و کنترل که برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. سازماندهی فرآیندی است که طی آن تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان به منظور کسب اهداف مورد نظر صورت می‌گیرد. مدیریت سیاسی فضا به توسعه فضا، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان هویت می‌بخشد تا بر پایه روندهای ایجاد شده، بهره‌برداری عقلانی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه متعادل و موزون کشور و مناطق هدایت گردد. در واقع مدیریت سیاسی فضا در بعد ملی عبارت است از اداره سیاسی فضا به منظور دستیابی به اهداف ملی با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی فضاهای جغرافیایی و توسعه پایدار سرزمینی (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). هر ساختار سیاسی که در قالب یک کشور تجلی می‌یابد برای رسیدن به اهداف خود به سازوکارهایی نیازمند است که علاوه بر متناسب بودن با ساختار فضایی می‌بایست متناسب با تحولات زمانی از دینامیسم کافی نیز برخوردار باشد، لذا حکومت، مجموعه‌ای اجرایی، سیاسی و نظامی است (Skocpol, 2014: 30) که کارکردهای ویژه‌ای برای آن متصور است (Short, 2013: 115). تخصص‌گرایی در مدیریت سیاسی فضایی همراه با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع و به‌طور کل با پیچیدگی‌های فرهنگی جوامع ارتباط مستقیم دارد و حتی از آن به‌عنوان عاملی اساسی در اقتصاد سیاسی کشورهای پیشرفته یاد می‌شود (Peregrine, 2006: 8). امروزه نیاز به برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه در هر کشور امری بدیهی است، چرا که توسعه بدون برنامه منجر به تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی می‌شود. در واقع برنامه‌ریزی ابزاری است که همه فعالان در جامعه از جمله حکومت‌ها به وسیله آن سعی می‌کنند روند توسعه را به صورت هدایت‌شده مدیریت نمایند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱). به نظر می‌رسد نابرابری در توزیع فرصت‌ها می‌تواند موجب عدم تعادل منطقه‌ای شده و این عدم تعادل بر روابط انسانی تأثیر نهاده و موجب شکل‌گیری منابع تهدید شوند (محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۱). برنامه‌ریزی فضایی نظامی سیاسی کشورها که در قالب تقسیمات کشوری به اجرا گذاشته می‌شود بخشی از این برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. اگرچه نظام سیاسی در هر کشور نحوه مدیریت بر سرزمین را مشخص می‌کند، اما مدیریت بر یک سرزمین بدون تقسیم آن به واحدهای کوچکتر امکان‌پذیر نیست (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). سازمان‌دهی سیاسی فضا که سطوح محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی را شامل می‌شود، فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده است، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود. مهمترین اهداف انجام این فرآیند، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است. در سطح ملی سازمان‌دهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی یا تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود. این فرآیند برای حکومت‌ها از ضروریات و عنصری حیاتی در تفویض اختیارات از مرکز به سایر نقاط سرزمین و اداره بهتر محدوده کشور است که انجام آن بسته به نوع نظام سیاسی حاکم، متفاوت می‌باشد؛ یعنی هر یک از نظام‌های سیاسی متمرکز، فدرال و ناحیه‌ای، سازمان‌دهی سیاسی فضایی خاص خود را دارند. در همین حال حکومت‌ها در اجرای کردن فرآیند سازمان‌دهی سیاسی فضا، نمی‌توانند بی‌توجه به مؤلفه‌های مختلف انسانی و طبیعی محدوده‌های مرزبندی‌شده سرزمین خود عمل کنند (احمدی‌پور و میرزایی‌تبار، ۱۳۹۰: ۴۸). طی فرآیند سازمان‌دهی سیاسی فضا بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود. این فرآیند، سطوح محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی را در بر می‌گیرد. در همین حال

مهمترین هدف سازمان‌دهی سیاسی فضا در درجه اول ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۷).

تقسیمات کشوری با توجه به ضروریات سیاسی، تاریخی و وابستگی‌های عاطفی صورت می‌گیرد که ضابطه آن را باید در جغرافیا جستجو کرد (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۲). تفکیک محدوده سرزمینی کشورها به واحدهای خردتر نیز کارکردی دوجبهی دارد. از یک سو به دولت امکان خدمات‌رسانی در کلیه سطوح را داده و از طرف دیگر به برقراری امنیت در تمام پهنه سرزمینی منجر می‌شود. این کارکرد در شرایطی می‌تواند به بقای ملی بینجامد که با رضایت سکنه همراه و هویت‌های محلی را به هویت‌های ملی تبدیل کند (احمدی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۸). در همین ارتباط نواحی سیاسی - فضایی را می‌توان به انواع ناحیه سیاسی درون‌شهری، درون‌کشوری، ملی، فراکشوری و ناحیه سیاسی بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۹). در فرآیند سازمان‌دهی سیاسی فضا مبتنی بر اختصاصات فضایی، الگوی حکومتی و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، حکومت‌ها نقش اصلی را بر عهده دارند. در ایران مهم‌ترین شاخص‌های قانونی دخیل در انجام این فرآیند شامل تعداد و تراکم جمعیت، نوع اشتغال و امرار معاش، عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، میزان برخورداری از امکانات رفاهی، ارتباط و فاصله مکانی، مجاورت و حوزه نفوذ می‌شود (احمدی‌پور و میرزایی‌تبار، ۱۳۹۰: ۵۳).

**روابط سازمانی و هماهنگی در مدیریت یکپارچه سیاسی فضا:** همکاری‌های بین‌سازمانی به معنای تعامل بین سازمان‌های مستقل می‌باشد و الگوی روابط اجتماعی بین چند سازمان محسوب می‌شوند. در مجموع، همکاری‌های بین‌سازمانی جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند که همه آن‌ها تحت لوای بین‌سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند (Gazendam, 2000: 132). تلاش‌های همکاری بین‌سازمانی همگی دارای ساختاری تعاملی بوده که بر همکاری و مشارکت بین سازمان‌ها جهت دستیابی به هدف یا اهداف مشترک توجه دارند (Bailey & Koney, 1995: 74). اما آنچه در روابط بین‌سازمانی اهمیت بسیاری دارد این است که چگونه سازمان‌ها و متولیان مختلف در یک حوزه را با یکدیگر هماهنگ نمود. ضرورت وجودی و توجه به موضوع هماهنگی در اثر وابستگی‌ها و روابط موجود بین بخش‌های مختلف یک سازمان یا سازمان‌های مختلف با یکدیگر است. ناگزیر باید جهت حل برخی مسائل، از همکاری‌های بین‌سازمانی استفاده کرد (Mulford & Klomglan, 1992: 43). هماهنگی میان نظام‌های سازمانی موجب می‌شود تا فعالیت‌های کاری در مرزهای سازمان‌های مختلف، منسجم و یکپارچه گردند. در چنین حالتی، مکانسیم‌های هماهنگی به کار گرفته شده میان کارکنان و مدیران، متفاوت است. هماهنگی در سیستم‌های بین‌سازمانی، میان کارکنانی رخ می‌دهد که مشتریان یکسانی دارند، لذا برای دستیابی به درک مشترک و توافق درباره شیوه کار و همچنین اجتناب از اهداف متعارض باید وظایف، یکپارچه و منسجم شوند (علیخان‌گرگانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۱). از سوی دیگر هماهنگی بین مدیران اداری زمانی رخ خواهد داد که آن‌ها تصمیم مشترکی اتخاذ نمایند و عمل مشترکی را به نمایندگی از جمع انجام دهند. بدین‌سان جهت وجود سطحی از ارتباط بین فضای شهری و نظام اداره آن باید فضای شهری را به صورت سلسله-مراتبی از فضای کلان تا فضای خرد شهری در نظر گرفت (شکل ۱)، تا از این طریق مدیریت شهری بتواند کل نظام فضای شهری را تحت پوشش خود در آورده و در کنار آن از چندپارگی و تفرق در حوزه‌های مختلف خدمت‌رسانی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و غیره جلوگیری نمود.



شکل ۱- سلسله مراتب تقسیمات فضای شهری بر اساس رویکرد مدیریت یکپارچه؛ (منبع: قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲)

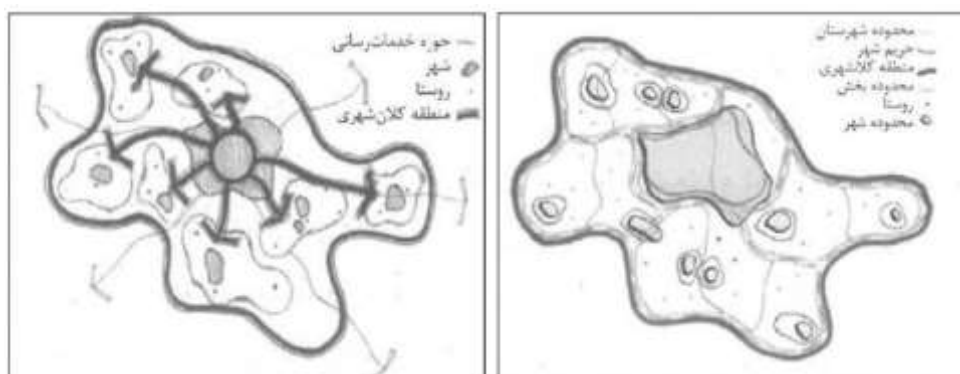
**وضعیت موجود سازمان‌دهی سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران:** کلان‌شهر تهران بزرگ‌ترین شهر و مرکز استان تهران است. جمعیت شهر تهران طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۸,۶۹۳,۷۰۶ نفر و مساحت ۶۲۱ کیلومتر مربع است. با اینکه تنها ۱۱ درصد جمعیت کشور در تهران زندگی می‌کنند، حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران مربوط به این شهر است که تولید ناخالص داخلی برابر با ۸۸ میلیارد دلار دارد (خداشاهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۹). روند سریع گسترش منطقه عملکردی تهران، بدون پیش‌بینی و استقرار تریبات نهادی و قانونی لازم برای کنترل و هدایت توسعه و ارائه خدمات متناسب در کل منطقه، موجب بروز مشکلات و چالش‌های محتوایی متعدد همچون گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب محیط‌زیست، از بین رفتن اراضی مرغوب باغی و کشاورزی، آلودگی‌های آب و خاک و هوا، ناکارایی شبکه حمل و نقل و غیره شده است (شریف‌زادگان و شمس‌کشکولی، ۱۳۹۳: ۲۸۱). نظام اداری - اجرایی حاکم به منطقه کلان‌شهری تهران همانند دیگر مناطق و اصولاً تمام نظام مدیریت سرزمین تابعی از نظام رسمی تقسیمات کشوری و مدیریت‌های ذیربط در هر یک از سطوح این نظام است، بر همین اساس و به دلیل فقدان نگرش و توانمندی لازم برای مدیریت یکپارچه کل محدوده مجموعه شهری نارسایی در پوشش فضایی یکی از ویژگی‌های اساسی نظام موجود مدیریت مجموعه‌های شهری است (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹). در شرایط کنونی، اداره و مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران به عنوان یک کل یکپارچه در بین قلمروهای حکومتی و مدیریتی متعدد و نهادهای خدماتی حکومت مرکزی تقسیم شده است، به طوری که هیچ نوع نگرش و رویکرد یکپارچه‌ای برای اداره و مدیریت آن وجود ندارد. این چالش بنیادین که به ابعاد فرآیندی و رویه‌ای سیاست‌گذاری و اجرای تصمیمات در منطقه کلان‌شهری تهران مربوط می‌شود به تفرق سیاسی و یا حکومتی مشهور است که در بسیاری از موارد علت شکل‌گیری و یا تشدید مشکلات محتوایی شده است (شریف‌زادگان و شمس‌کشکولی، ۱۳۹۳: ۲۸۲). نهادها و سازمان‌هایی که با استناد به شرح وظایف و اختیاراتشان عنصر اصلی و کلیدی در اداره منطقه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند در جدول (۱) درج شده است.

جدول ۱- نهادهای مدیریتی در اداره منطقه کلان‌شهر تهران

سطح ملی	مجلس شورای اسلامی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، هیأت دولت، سیاست‌گذاری و هماهنگی. شورای عالی شهرسازی و معماری: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فضایی. وزارت راه و شهرسازی: سیاست‌گذاری و هماهنگی فضایی کالبدی. وزارت کشور: سیاست‌گذاری و هماهنگی و نظارت و مدیریت فضایی.
سطح منطقه‌ای	استانداری: سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی. شورای برنامه‌ریزی استان: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی فضایی - اقتصادی، تخصیص بودجه. سازمان مسکن و شهرسازی: برنامه‌ریزی فضایی کالبدی. سازمان جهاد کشاورزی: برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت فضایی. فرمانداری‌ها: سیاست‌گذاری، نظارت و مدیریت فضایی. شورای اسلامی شهرستان: سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی.
سطح محلی	شوراهای اسلامی شهر و روستا: سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی. شهرداری‌ها: مدیریت فضایی کالبدی و اجرایی.

منبع: آخوندی، ۱۳۸۶

**چندپارگی مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران:** بر اساس منابع موجود نهادها و کنشگران مؤثر بر مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران با توجه به حیطه مسئولیت، اهداف و ماهیت آن‌ها به پنج دسته نهادهای حکومتی - دولتی، نهادهای حکومتی عمومی، نهادهای غیردولتی، نهادهای بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی قابل تفکیک هستند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶). کلان‌شهر تهران در حال حاضر اگرچه به لحاظ قلمرو از همبستگی برخوردار است، اما فاقد مدیریت نهادی در مقیاس این منطقه است. به این ترتیب می‌توان گفت اکثریت نهادها و کنشگران دخیل در مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران دولتی هستند. ساختار اداری به نحوی تعیین شده که تمامی برنامه‌ریزی‌ها از بالا به پایین انجام می‌شود و سهم شهروندان تهرانی در این تصمیم‌گیری‌ها ناچیز است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). تنوع سازمان‌های درگیر در اداره کلان‌شهر تهران و فقدان نظام و رویه‌ای مشخص برای تقسیم هماهنگ این کلان‌شهر باعث شده که سازمان‌های مختلف بر حسب معیارهایی که تقسیم کرده‌اند تقسیماتی متفاوتی را به کار ببرند. تقسیمات شهری سازمان‌های مختلف در اداره تهران باعث شده که چنین تقسیماتی بر هم منطبق نباشند. چنین امری به نوبه خود چندپارگی را در نظام اداره شهر تهران به دنبال داشته است. در کلان‌شهر تهران، شهرداری تهران و سایر نهادهای موجود فاقد ارتباط ساختاری با یکدیگر هستند. آن‌ها هر یک دستور کارهای متفاوتی را دنبال می‌کنند و فاقد همکاری میان یکدیگر هستند. در کنار این وضعیت، ماهیت بخشی اداره امور موجب شده است تا زمان‌های دولتی فعال در پهنه کلان‌شهر تهران نیز سیاست‌های منسجم و هماهنگی نداشته باشند. این تفرق سیاسی - اداری را به خوبی در شکل (۲) که در آن حوزه مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به داخل چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام-شهر که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند نفوذ کرده است.



شکل ۲- تفرق سیاسی (سمت راست) و یکپارچگی و همبستگی عملکردی (سمت چپ) در منطقه کلان‌شهری تهران؛ (منبع: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۵)

اگرچه در ساختار اداری برای تعدیل و هماهنگ‌سازی عملکرد بخشی وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی و ایجاد هماهنگی‌های بین‌بخشی، سازمان‌های هماهنگ‌کننده با ماهیت و عملکرد میان‌بخشی وجود دارند، اما تمرکزگرایی موجود در این سازمان‌ها و بی‌توجهی به سازمان‌های محلی و نقش آن‌ها در اجرای برنامه‌ها در کنار فقدان ماهیت فضایی - مکانی هماهنگی‌ها سبب شده است تا مسأله هماهنگی نهادی با مشکلات زیادی مواجه شود. وزارت‌خانه‌های موجود، دارای ماهیت و عملکرد بخشی هستند و تمامی امور خود را از مرکز اداره می‌کنند. در این وضعیت جریان تصمیم‌گیری به صورت یک‌طرفه و عمودی است. سازمان‌های استانی یا شهرستانی عموماً فاقد قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستند. بنابراین دو نظام مدیریت ملی و محلی کشور با خصوصیات متفاوت در کلان‌شهر تهران بدون هماهنگی با یکدیگر عمل می‌کنند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در واقع محدوده منطقه کلان‌شهری تهران با بیش از ۳۸ شهرداری مستقل، به مجمع‌الجزایری از مدیریت‌های شهری و مستقل اما کاملاً نزدیک و ناهماهنگ با یکدیگر تبدیل شده است. مجمع‌الجزایری که محدوده‌های حفاصل بین آن‌ها نیز خود تحت مدیریت نهادهای مستقل دیگر (فرمانداری‌ها) قرار دارند (عسگری و همکاران، ۱۳۸۳: ۹۸).

این مسائل نشان می‌دهد که مدیریت کلان‌شهر تهران دارای دو نظام اداره مجزا است که هر یک درون خود دچار پراکندگی و ناهماهنگی هستند. این در حالی است که از اوایل دهه هشتاد به این سو، حکومت‌های کلان‌شهرهای بزرگ بر حکومت‌های محلی کوچک و پراکنده در بسیاری از نقاط دنیا ترجیح داده شده است (Barlow, 1991: 54). نگاهی به شهرداری تهران نشان می‌دهد که تا پیش از تشکیل شوراهای اسلامی شهر این سازمان به گونه غیرنماینده با اهداف عام شبیه بود و پس از استقرار شورا در شهرداری به گونه نماینده با اهداف عام نزدیک شده است. علت قراردادن شهرداری تهران و سایر شهرداری‌های کشور در دسته حکومت‌های با اهداف عام به این دلیل است که آن‌ها با توجه به تقسیم‌بندی وظایف محلی، عهده‌دار ارائه طیفی از خدمات عمومی هستند. با مبنا قرار دادن خدمات عمومی بر اساس دسته‌بندی استانی می‌توان تصویری از وضعیت موجود نهادهای مؤثر بر مدیریت نهادهای کلان‌شهر تهران ارائه کرد. این تصویر بیانگر پراکندگی نهادهای ارائه‌کننده خدمات و فقدان متولی برای خدمات مهم است. جدول (۲) به خوبی این وضعیت را نشان می‌دهد.



جدول ۲- حوزه‌ها و مأموریت‌های مدیریت‌های شهری و سازمان‌های مرتبط با آن.

حوزه	مأموریت‌های مربوطه	سازمان‌های مرتبط با مأموریت
فرهنگی و اجتماعی	مأموریت فرهنگی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، آموزش و پرورش، سازمان اوقاف و امور خیریه، بخش خصوصی
	مأموریت سلامت	وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، سازمان بهزیستی، بخش خصوصی
	مأموریت خدمات اجتماعی و رفاهی	بهزیستی، کمیته امتداد، نیروی انتظامی، قوه قضاییه، وزارت بهداشت، صدا و سیما، وزارت کار، وزارت کشور، بخش خصوصی
	مأموریت آموزش و مشارکت-های اجتماعی	وزارت ارشاد، سازمان صدا و سیما
	مأموریت ورزش	وزارت ورزش و جوانان، آموزش و پرورش، وزارت علوم، صدا و سیما، وزارت کشور، بخش خصوصی
	مأموریت حوزه بانوان	سازمان بهزیستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، سازمان تبلیغات، بخش خصوصی و خیریه‌ها
	مأموریت افزایش سطح ایمنی	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، استانداری تهران، بخش خصوصی
ایمنی و مدیریت بحران	مأموریت افزایش کارایی سیستم مدیریت شهر تهران هنگام وقوع بحران	وزارت کشور، سازمان مدیریت بحران کشور، هلال‌احمر، وزارت بهداشت، سازمان بسیج، وزارت ارتباطات
	مأموریت نظارت و مدیریت بر بازسازی پس از بحران	سازمان مدیریت بحران، هلال‌احمر، قوه قضاییه، وزارت کشور، وزارت بهداشت، سازمان بسیج، وزارت نیرو، وزارت نفت، وزارت ارتباطات، نیروی انتظامی
	برنامه‌ریزی، نظارت و راهبری طرح‌ها	کمیسیون ماده پنجم، شورای عالی شهرسازی و معماری
شهرسازی و معماری	حفظ بناهای تاریخی و واجد ارزش	میراث فرهنگی و گردشگری
	برنامه‌ریزی کنترل و نظارت بر ساخت و ساز	قوه قضاییه، سازمان نظام مهندسی، کمیسیون ماده صد، نیروی انتظامی، مجلس شورای اسلامی
هوشمندسازی	شناسایی و ساماندهی بافت‌های فرسوده	کمیسیون ماده پنجم، شورای عالی شهرسازی و معماری، نظام مهندسی، وزارت نیرو، بانک‌ها و مؤسسات ملی
	اصلاح و شبکه معابر	کمیسیون ماده پنجم، راهنمایی و رانندگی
	تهیه برنامه‌های راهبردی میان‌مدت و بلندمدت	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بخش خصوصی
	مأموریت استانداردسازی فعالیت‌ها و محصولات	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، وزارت علوم و دانشگاه‌ها، مجمع کلان‌شهرهای کشور
خدمات شهری	تهیه و تنظیم و نظارت بودجه	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری
	مأموریت زیباسازی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت نیرو، صدا و سیما، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تبلیغات اسلامی
	مأموریت ساماندهی	سازمان محیط‌زیست، وزارت بهداشت، نیروی انتظامی، صدا و سیما، اتحادیه‌ها و اصناف
	مأموریت مسیل‌ها و قنوات	وزارت نیرو، سازمان محیط‌زیست
	مأموریت فضای سبز	وزارت نیرو، قوه قضاییه، سازمان محیط‌زیست، سازمان منابع طبیعی، صدا و سیما
	مأموریت خدمات شهری	سازمان محیط‌زیست، وزارت بهداشت، قوه قضاییه، نیروی انتظامی و پلیس راهور
	مأموریت محیط‌زیست	وزارت نیرو، سازمان استاندارد، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، سازمان محیط‌زیست
	مأموریت تهیه محصولات	اصناف و اتحادیه‌ها، وزارت بازرگانی، وزارت جهاد کشاورزی

	کشاورزی و پروتئینی	
وزارت ورزش، سازمان ورزش همگانی، پلیس راهور	توسعه حمل و نقل غیرموتوری	حمل و نقل و عمران شهری
وزارت ارتباطات، وزارت راه و شهرسازی، پلیس راهور	توسعه سیستم حمل و نقل هوشمند	
پلیس راهور، شرکت‌های خودروسازی، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی	افزایش ایمنی و بهره‌وری معابر	
شرکت‌های خودروسازی، وزارت کشور، صدا و سیما	مدیریت تقاضای سفر	
وزارت نیرو، وزارت ارتباطات، پلیس راهور، شرکت‌های خودروسازی، وزارت راه و شهرسازی	توسعه سیستم‌های حمل و نقل یکپارچه	
وزارت ارشاد، صدا و سیما، وزارت آموزش و پرورش	آموزش و ارتقای فرهنگ ترافیک	
بخش خصوصی	توسعه پارکینگ‌های عمومی	
وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور، صدا و سیما	مدیریت سفرهای برون‌شهری و ترمینال‌ها	

منبع: علیخان‌گرگانی و همکاران: ۱۳۹۳

همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد در حال حاضر نهادهای مختلفی که عمدتاً حکومتی - دولتی هستند در عرصه خدمات محلی وجود دارند. این نهادها در حالی که از کمترین روابط هماهنگی برخوردار هستند، فاقد نهادهای هماهنگ-کننده با دولت محلی یا شهرداری نیز هستند. این مسأله بیانگر این نکته است که پراکندگی مدیریت و خدمات در سطح منطقه کلان‌شهری تهران وجود دارد و سبب‌ساز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی متعددی برای ساکنان این منطقه شده است. بنابراین می‌توان گفت که روابط بین نهادهای مختلف دخیل در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران از هیچ قاعده خاصی تبعیت نمی‌کند و بسیاری از نهادها دارای تداخل در اجرای مسؤلیت‌ها هستند. نهادهای دولتی وظایفی را انجام می‌دهند که مختص شهرداری‌ها و شورای شهر است و خود این نهادها در اجرای این مسؤلیت‌ها توانمندی و قدرت عمل کمتری دارند. این آشفتگی در عملکرد و مسؤلیت‌ها سبب می‌شود تا این نهادها از خدمات‌رسانی درست به شهروندان که یکی از اصول اساسی در فلسفه مدیریت شهری است باز بمانند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶). واگرایی و تفرق حاکم بر ساختار اداری و اجرایی هر یک از عناصر تقسیمات کشوری با ساختار واگرا و متفرق تقسیمات کشوری در محدوده منطقه کلان‌شهری تهران ترکیب شده و منجر به تشدید تضاعبی تعارضات نظام مدیریتی این مجموعه‌ها شده است. در واقع در وضعیت فعلی هر یک از عناصر و سطوح تقسیمات کشوری با حداقل روابط افقی و بین‌سازمانی اداره می‌شوند و موقعیت، وظایف و عملکرد خود را در چارچوب روابط بین‌سازمانی عمودی تعیین و تعریف می‌کنند. به این ترتیب تفرق عملکردی با تفرق فضایی ترکیب می‌شود و تناقض‌های عملکردی گسترده‌ای را در سطح نظام یکپارچه مذکور ایجاد می‌کند (پرهیزکار و کاظمیان، ۱۳۸۴: ۴۵).

از این رو چنین به نظر می‌آید که در استان تهران در عین حفظ وحدت و یکپارچگی مدیریت راهبردی آن در قالب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و حتی تقویت آن، مناسب برای یک یا مجموعه‌ای از شهرستان‌های آن سطوح مدیریتی ویژه‌ای تعریف شود و اختیارات، نیروی انسانی و تشکیلات اداری متناسبی برای آن مجموعه‌ها یا شهرستان‌ها برای هدایت و پیشبرد توسعه و پیشرفت در آن مناطق در نظر گرفته شود. بنابراین گزینه بهینه برای ارتقای کارآمدی در مدیریت امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضای استان تهران، تشکیل مجموعه‌ها یا مناطق اداری با سطح تشکیلاتی بالاتر از سطوح کنونی شهرستانی است تا مدیریت واحد و یکپارچه استان تهران (شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان)، به خدمت‌رسانی بهتر و کارآمدتر به مردم بپردازد (حمیدی و امیرانتخابی، ۱۳۸۹: ۱۲).

### پیشینه عملی

صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری و مدیریت سیاسی فضا در شهر خرم‌آباد پرداختند. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل و بررسی تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری بود. در این پژوهش با توجه به هدف و فرضیه‌ها برای بررسی تحقق‌پذیری میزان حکمرانی خوب شهری در شهرداری‌های شهر خرم‌آباد از چهار شاخص مشارکت، شفافیت، حاکمیت قانون و پاسخگویی استفاده شد.

شکوهی و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان-شهرهای ایران پرداختند. در این پژوهش شاخص‌های مشارکت، شفافیت، مسؤلیت‌پذیری و پاسخگویی و حاکمیت قانون به عنوان ابعاد اصلی حکمروایی خوب شهری منابع و محدودیت‌های تحقق آن در کلان‌شهرهای تبریز، اصفهان و مشهد مورد بررسی قرار گرفت.

قادری‌حاجت و مختاری‌هشی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «عدالت فضایی ایران و سازمان سیاسی - فضایی در تهران»، بیان می‌دارند که امروزه تهران، مهمترین چالش مدیریت سیاسی فضا در ایران به دلیل انباشت مشکلات در ابعاد طبیعی و انسانی است. مطابق با نتایج پژوهش فقدان برنامه‌ریزی فضایی و رویکرد توسعه پایدار در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی در نظام برنامه‌ریزی ایران، در درجه اول، منجر به تمرکز شدید و نهادینه شده و منجر به شکل‌گیری مرکز الگوی حاشیه‌ای در کشور شده است. همچنین بی‌عدالت فضایی - جغرافیایی در کشور و در نتیجه آن در استان تهران و عدم مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری تهران سبب مشکلات فعلی تهران شده است.

بنسون آو یونگ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «مدیریت یکپارچه زیرساخت‌های شهری پایدار» بیان می‌دارد که توسعه شهری پایدار و قابلیت زندگی یک شهر مسائل فزاینده مهم در زمینه برنامه‌ریزی استفاده از زمین و مدیریت زیرساخت است. همچنین افزایش شدید مسؤلیت‌ها و نقش‌های دولت محلی برای برنامه‌ریزی و مدیریت زیرساخت‌ها وجود دارد. این افزایش مسؤلیت بدین معنی است که مقامات منتخب محلی و برنامه‌ریزان شهری زمان کمتری برای تهیه اطلاعات پیش زمینه و تصمیم‌گیری دارند.

الیگار سادیچ (۲۰۱۱)، در کتابی با عنوان «سیاست‌گذاری فضایی» بیان می‌دارد که پیدایش این کتاب به سال ۲۰۰۶ زمانی که نیاز به ایجاد یک مرجع اساسی در سیاست فضا احساس گردید، انجام گرفت. برای این منظور، ابتکار عمل را برای ایجاد یک واقعیت در نظر گرفته است. در این کتاب به سیاست‌گذاری فضایی، فضای امنیت ملی، برنامه‌های فضایی توسعه یافته، فضای تجاری بازیگران، سازمان‌های بین‌المللی در مسائل مربوط به فضای مدنی پرداخته شده است.

ادینک<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در کتابی با عنوان «حکمروایی خوب: مفهوم و بستر» به بررسی ایجاد، توسعه و تأثیر مفهوم حکمروایی خوب می‌پردازد. وی استدلال می‌کند که همراه با ایده‌های حکومت قانون و دموکراسی، حکمروایی خوب به عنوان سومین سنگ‌بنای مفهومی دولت مدرن عمل می‌کند. به اعتقاد وی حکمروایی خوب را می‌توان به عنوان مفهومی چندسطحی دانست که تحت تأثیر پیشرفت‌های حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد در حالی که ریشه در حقوق اجرایی ملی دارد.

اومری و مبروک<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمروایی خوب با اهداف توسعه پایدار» به بررسی کارایی حکمروایی خوب در بازتوازن اقتصادی، زیست‌محیطی و مؤلفه‌های اجتماعی توسعه پایدار پرداخته‌اند. در این تحقیق

1. Addink

2. Omri & Mabrouk

حکمرمایی اقتصادی، سیاسی و سازمانی خوب به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند که تأثیر آن در بازه زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۴ بر روی اقتصادهای MENA مورد بررسی قرار گرفته است.

## داده‌ها و روش شناسی

مطالعه حاضر از حیث هدف، کاربردی؛ و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی و از نوع تحقیق کیفی می‌باشد. روش انجام این تحقیق بر اساس روش داده بنیاد است. بدین ترتیب از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان مدیریت سیاسی شامل اساتید دانشگاه‌های دولتی (شامل دانشگاه تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی) استفاده شد. مصاحبه مشتمل دو بخش بوده که بخش اول، اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان و بخش دوم سوالات اصلی مصاحبه مشتمل بر ۱۰ سوال می‌باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی است و از نمونه اشباع شده و در دسترس استفاده گردید. پس از انجام مصاحبه، با تعداد ۲۰ مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم.

## روش داده بنیاد یا گراند تئوری

روش داده بنیاد یا گراند تئوری<sup>۱</sup> یک روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط گلنر و اشتراوس<sup>۲</sup> بوجود آمد. عملکرد اصلی گراند تئوری ظهور نظریه‌ها است (هیلدبرند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). هرچند، تئوری بنیادی با الگوهای پیشین روش‌های تحقیق مرتبط بوده و به صورت ناگهانی و بدون مقدمه به وجود نیامده است. تئوری برخاسته از داده‌ها (نظریه بنیادی) یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا بجای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین تئوری و گزاره اقدام نماید (واگنر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). در این بخش، سه مرحله اساسی روش گراند تئوری شامل؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مورد استفاده قرار گرفت. اشتراوس و کوربین<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) توصیه می‌کنند که کدگذاری از طریق تحلیل خرد انجام شود. در این نوع تحلیل، داده‌ها کلمه به کلمه تحلیل می‌شوند و معانی یافت شده در کلمات یا گروه‌های باز کلمات کدگذاری می‌گردد. این روش دو ایراد دارد؛ اول آن که زمان بر است و دوم اینکه گاهی منجر به ابهام و سردرگمی می‌شود. علاوه بر این گاهی تقسیم داده‌ها به کلمات، منجر به لوث شدن نفس تحلیل می‌گردد و در مورد آنچه باید در متن جستجو کرد نوعی شک و تردید به وجود می‌آید (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴)، روش دیگر که توسط گلنر<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) پیشنهاد شده است کدگذاری نکات کلیدی است. در این روش به جای کدگذاری تک تک کلمات، نکات کلیدی شناسایی و کدگذاری می‌شوند. لذا در این تحقیق، کدگذاری بر اساس روش گلنر (۱۹۹۲) در قالب پنج مقوله اصلی روش گراند تئوری یعنی عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها انجام شد.

## یافته‌ها

1. Grounded Theory
2. Glasser & Strauss
3. Hildebrand
4. Wagner
5. Strauss & Corbin
6. Glasser

## کدگذاری باز<sup>۱</sup>

در این مطالعه ابتدا محتوای کلیه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس کدگذاری باز آنها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام شد. بدین ترتیب که داده‌های جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها در فایل Word مکتوب شده و سپس توسط نرم‌افزار Atlas-ti تجزیه و تحلیل نوشته‌های موجود، کدهای باز ایجاد گردید. کدگذاری باز خود شامل سه مرحله است: کدگذاری باز مرحله اول، کدگذاری باز مرحله دوم و کدگذاری باز مرحله سوم. در کدگذاری باز مرحله اول، کدها شناسایی می‌شوند. در کدگذاری باز مرحله دوم، برای هر کد توضیحی ارائه می‌شود و در کدگذاری باز مرحله سوم، کدهای مرحله دوم که به یکدیگر نزدیک هستند با هم ادغام شده و تشکیل یک کد با عنوانی کوتاه می‌دهند (مارکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بدین ترتیب در مجموع ۲۶۸ کد از کدگذاری باز مرحله سوم استخراج گردید. جدول (۳) تعداد کد استخراج شده از هر مصاحبه را نشان می‌دهد. پس از کدگذاری اولیه، برای سادگی روند انجام کار، کدهایی که معنای نزدیک به یکدیگر داشتند با یکدیگر ادغام شده و در نهایت ۶۰ کد برای تحلیل وارد شبکه محوری شد. جدول (۴) نیز بخشی از مصاحبه‌ها به همراه مقوله‌های استخراج شده از آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۳- تعداد کد باز مرحله سوم استخراج شده از هر مصاحبه

شماره مصاحبه	تعداد کد باز مرحله سوم استخراج شده
۱	۱۰
۲	۱۲
۳	۱۵
۴	۱۱
۵	۱۱
۶	۱۰
۷	۱۰
۸	۱۲
۹	۲۳
۱۰	۲۱
۱۱	۱۹
۱۲	۱۷
۱۳	۱۵
۱۴	۹
۱۵	۱۳
۱۶	۱۴
۱۷	۱۰
۱۸	۱۰
۱۹	۱۴
۲۰	۱۲

جدول ۴- بخشی از مصاحبه‌ها به همراه مقوله‌های استخراج شده

متن مصاحبه	مقوله فرعی استخراج شده
------------	------------------------

1. Open Coding
2. Markey

نبود قانون جامع و یکپارچه شهری	طرح جامع مدیریت یکپارچه شهری نخست باید تبدیل به قانون شود، سپس ابلاغ و توسط شورا و شهرداری به انجام برسد و اگر این اتفاق رخ دهد، بسیار خوب است. چراکه بارها مشاهده شده به طور مثال شهرداری معبری ایجاد می کند و روز بعد یک اداره ای آن معبر را تخریب می کند، اما اگر این طرح جامع تصویب شود دیگر شاهد این ناهماهنگی ها نخواهیم بود.
جمعیت حاشیه نشین و پس کرانه ای شهر تهران	تهران، یکی از کلان شهرها و پر جمعیت ترین مناطق جهان و پایتخت کشور است، که به دلیل سیاست های پیشین و انجام مهاجرت های متعدد جمعیت زیادی در خود و نیز در استانی به همین نام و متشکل از ۱۶ شهرستان جای داده است، در این شرایط، افرادی که به دلیل توانایی مالی پایین، قادر به حضور در شهرها نیستند، به اطراف شهر رفته و با زندگی در شرایطی که مؤلفه های استاندارد زندگی را ندارد، حاشیه نشینی را رقم زده اند. رشد معضلات و آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، جرائم و بیماری ها در حاشیه نشینی را بیش از حد معمول است و این آسیب ها گاهی آن قدر زیاد است، که خود شهرها را نیز تحت تأثیر قرار می دهد، همچنین سکونت گاه های غیر رسمی، در فقدان آموزش و فرهنگ سازی شکل گرفته و آسیب های اجتماعی را رقم می زند.
پیچیدگی سازماندهی سیاسی فضا به دلیل تراکم بالای جمعیت قطبی شدن نظام شهری و نظام نخست شهری	به نظر می رسد از نظر نحوه توزیع فضایی جمعیت و اشتغال، و همچنین تراکم بالای جمعیت، الگوی رشد کلان شهر تهران به سمت و سوی عدم تعادل نسبی گرایش بیشتری دارد و این خود پیچیدگی سازماندهی سیاسی فضا را در پی دارد. همچنین این موضوع قطبی شدن نظام شهری و نظام نخست شهری را در پی دارد که از مشکلات عمده کلان شهر تهران محسوب می شود.
نابرابری های فضایی و توسعه نامتوازن مناطق شهر تهران	مناطق مختلف شهر تهران از نظر امکانات با یکدیگر تشابهی ندارند و این امکانات به صورت نامتعادل و ناعادلانه در مناطق کلان شهر تهران تقسیم شده است و به طوری که نابرابری های فضایی و توسعه نامتوازن در شهر تهران وجود دارد که مناطق مختلف این شهر را از نظر امکانات، جذابیت های بصری، خدمات و غیره متفاوت کرده است.

### کدگذاری محوری<sup>۱</sup>

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در روش داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است (کریسول<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). این عمل بر اساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند ایجاد نظریه را به سهولت انجام دهد. در کدگذاری محوری، کدهای تولید شده در گام قبلی، توسط ایجاد شبکه های ارتباطی میان این کدها به یکدیگر مرتبط می شوند. این فرآیند توسط تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از کدگذاری باز بدست می آید. بنابراین هدف از کدگذاری محوری، مرتب سازی رابطه میان هر مفهوم است (سون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). هنگام برقراری اتصالات در شبکه، لازم است بررسی شود که این مقوله ها به چه صورت با یکدیگر در ارتباط هستند. این مرحله توسط تشکیل شبکه ها در نرم افزار Atlas-ti جهت ایجاد ارتباطات بین مفاهیم، مقوله ها و مولفه ها انجام شد. بنابراین توسط کدگذاری محوری، پنج شبکه اصلی به این صورت شناسایی شدند: عوامل علی، عوامل زمینه ای، عوامل مداخله گر، راهبردها و پیامدها. جدول (۵)، شبکه کدگذاری محوری را برای آسیب شناسی مدیریت سیاسی فضا در کلان شهر تهران نشان می دهد. مطابق با نتایج جدول (۵)، عوامل زمینه ای در مقوله های حاکمیت قانون، نبود قانون جامع، مدیریت چندگانه و ناآرامی ها و چالش های امنیتی؛ عوامل علی در مقوله های تمرکزگرایی شدید و جامعه و فرهنگ؛ عوامل مداخله گر در مقوله های ازدحام جمعیت و مبارزه با فساد؛ راهبردها در مقوله های حق اظهار نظر و

1. Axial Coding

2. Creswell

3. Sun

پاسخگویی و مشارکت سیاسی شهروندان و پیامدها در مقوله‌های اثربخشی دولت، بهبود کیفیت مقررات و ثبات سیاسی و عدم خشونت تقسیم بندی شده‌اند.

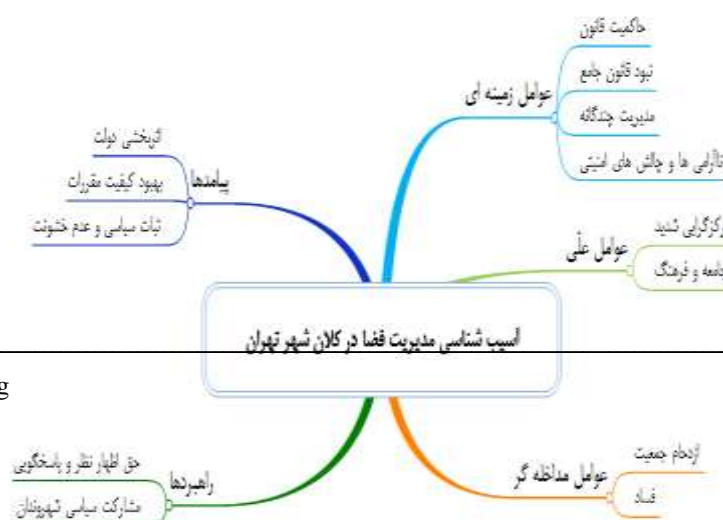
جدول ۵- کدگذاری محوری آسیب شناسی مدیریت فضا در کلان شهر تهران

شبکه اصلی	مقوله اصلی	مقوله فرعی		
عوامل زمینه‌ای	حاکمیت قانون	اعتقاد به نظام قضایی		
		استقلال نظام قضایی		
	نبود قانون جامع	کارایی نیروهای امنیتی برای ایجاد امنیت		
		هزینه‌های تخلف، جرم و فساد در نظام بانکی		
مدیریت چندگانه	عدم هماهنگی لازم میان نهادها و سازمان‌های تصمیم‌ساز و مجری در امور شهر تهران	نبود قانون جامع و یکپارچه شهری		
		تصمیم‌گیری بخشی بدون توجه به سایر امور مرتبط شهری		
		تعدد سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز و مجری در امور شهر تهران		
		عدم هماهنگی لازم میان نهادها و سازمان‌های تصمیم‌ساز در امور شهر تهران		
		متداخل بودن وظایف و اختیارات نهادها و سازمان‌های مختلف مرتبط با امور شهر تهران		
		عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری به دلیل تعدد نهادهای تصمیم‌ساز و متولی در امور شهر تهران		
		تصمیمات متناقض به دلیل تعدد نهادهای تصمیم‌ساز و متولی در امور شهر تهران		
		عدم وحدت فرماندهی در امور کلان‌شهر تهران		
		موازی کاری به دلیل تعدد نهادهای تصمیم‌ساز و متولی در امور شهر تهران		
		نامشخص بودن نهادهای سطح ملی، استانی و محلی سازمان‌های مرتبط با شهر تهران		
		ناآرامی‌ها و چالش‌های امنیتی	نظام نخست شهری و قطبی شده جمعیت در تهران	نابرابری‌های فضایی و توسعه نامتوازن مناطق شهر تهران
				مدیریت متفرق و غیریکپارچه در تهران
جمعیت حاشیه‌نشین و پس کرانه‌ای شهر تهران				
قطبی شدن نظام شهری و نظام نخست شهری				
عوامل علی	تمرکزگرایی شدید	رشد فزاینده کالبدی شهر تهران		
		عدم شکوفایی استعدادها و ابتکارات محلی		
		بوروکراسی شدید و متمرکز		
		عدم تفکیک میان امور ملی و محلی		
جامعه و فرهنگ	عدم آموزش شهروندان	عدم رعایت حقوق شهروندان		
		عدم حفظ هویت تاریخی و فرهنگی شهر		
		عدم توجه به بهداشت عمومی		
		عدم ارتباط سیستماتیک مدیریتی با مراکز جمعیتی پیرامون شهر تهران		
عوامل مداخله‌گر	ازدحام جمعیت	متفاوت بودن سازوکارهای ویژه مدیریتی در تهران به دلیل تراکم بالای جمعیت		
		پیچیدگی سازماندهی سیاسی فضا به دلیل تراکم بالای جمعیت		
	فساد	فساد مقامات دولتی		
		فساد مدیران ارشد		

فساد در خدمات عمومی		
پرداخت رشوه		
وجود نظام حقوقی شفاف و عادلانه	حق اظهار نظر و پاسخگویی	راهبردها
توزیع برابر فرصت‌ها		
رسیدگی دولت به نظرات و خواسته‌های مردم		
تدوین برنامه‌های جامع و تفصیلی با مشارکت شهروندان	مشارکت سیاسی شهروندان	
مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی تقسیم‌بندی‌های مدیریت سیاسی		
مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی‌های امور شهری		
کارایی نهادهای دولتی	اثربخشی دولت	پیامدها
توانایی دولت در انجام برنامه‌ها		
افزایش کیفیت خدمات عمومی		
سیاستگذاری به نفع کسب و کار	بهبود کیفیت مقررات	
کنترل قیمت‌ها و دستمزد		
کنترل موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای		
محدودیت‌های دولتی برای تأسیس بنگاه‌ها	ثبات سیاسی و عدم خشونت	
کاهش درگیری‌های اجتماعی		
کاهش تنش‌های قومی		
کاهش کودتا و براندازی		

### کدگذاری انتخابی<sup>۱</sup>

کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. نکته‌ای که در این مرحله از پژوهش باید مورد نظر قرار گیرد این است که در صورتی که هدف از پژوهش، تئوری‌سازی باشد، یافته‌ها در غالب مفاهیمی به هم مرتبط و نه صرفاً لیستی از موضوع‌ها ارائه شوند. ذکر این نکته ضروری است که همواره بیش از یک راه برای نشان دادن روابط وجود دارد. برای رسیدن به یکپارچگی مورد نظر لازم است پژوهشگر خط اصلی موضوع را تنظیم و با تعهد به آن به شرح خط اصلی داستان بپردازد. در کدگذاری انتخابی، محقق یک اصل را کشف می‌کند و بطور منظم یک دسته اصلی را با دیگر دسته‌ها مرتبط می‌کند (ژانگ و ما، ۲۰۰۹). دسته اصلی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد: اول توسط کدهایی که در مرحله کدگذاری محوری مرکزیت بیشتری دارند بدست آید؛ دوم باید بیشترین فراوانی را در فرآیند کدگذاری نشان دهد. سوم همه ارتباطات با مقوله‌ها باید به طور خودجوش انجام شود (هی و شی، ۲۰۰۹). مطابق با نتایج کدگذاری انتخابی، مدل این تحقیق به شکل (۳) می‌باشد.



1. Selective Coding

2. Zhang & Ma

3. He & Shi



شکل ۳- مدل آسیب شناسی مدیریت سیاسی فضا در کلان شهر تهران

### اعتبارسنجی داده‌های کیفی

اعتبارسنجی داده‌ها در فرآیند روش داده بنیاد به سه روش انجام می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴) که در این مطالعه از این روش‌ها استفاده گردیده است. این سه روش عبارتند از:

#### ۱. افزایش شفافیت فرآیند پژوهش

اعتبارسنجی با افزایش شفافیت فرآیند پژوهش توسط توزیع گام‌ها و مراحل طی شده، تکنیک‌ها و ابزارهای استفاده شده بخش‌هایی که اطلاعات جمع‌آوری گردیده است، با جزئیات زیاد به دست می‌آید. با توجه به شفافیتی که در اطلاعات به دست آمده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی وجود دارد، بنابراین اعتبار داده‌های پژوهش به روش شفافیت فرآیند پژوهش تأیید می‌شود.

#### ۲. ارائه یافته‌ها به مشارکت کنندگان

یکی از اصول روش‌های کیفی و به طور خاص روش گراند تئوری، مشارکت محور بودن آن است. در این پژوهش، محقق هیچ تلاشی برای هدایت نتایج به سمت و سوی خاصی نکرده است و تمامی نتایج حاصل پاسخ‌های مصاحبه شوندگان بوده است. جهت اعتبارسنجی روش داده بنیاد، یافته‌های تحقیق در اختیار مصاحبه شوندگان قرار داده شد و تمامی مصاحبه شوندگان یافته‌های تحقیق را مورد تأیید قرار دادند.

#### ۳. مقایسه مداوم یافته‌ها با داده‌های خام

در هر مرحله از کدگذاری‌های مراتب بالاتر، داده‌های بدست آمده با داده‌های مراحل اول مصاحبه و کدگذاری باز مقایسه گردید تا اعتبار داده‌های کدگذاری مراحل بالاتر مورد تأیید قرار بگیرد.

### نتیجه‌گیری

شهر تهران، پایتخت کشور ایران است که به دلیل تراکم بالای جمعیت و حضور نظام سیاسی کشور در این شهر، آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی فضا در آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر اساس نتایج بدست آمده، عوامل زمینه‌ای مشتمل بر ۴ مقوله اصلی شامل حاکمیت قانون، نبود قانون جامع، مدیریت چندگانه و ناآرامی‌ها و چالش‌های امنیتی می‌باشد. بنابراین قانون کشور به طور زمینه‌ای منجر به آسیب‌های مدیریت سیاسی فضا در کلان شهر تهران شده است. زیرا در کشور، قانون جامع و یکپارچه و همچنین قانونی که بتواند برای مشکلات عمده سیاسی شهر تهران راه‌حل داشته باشد وجود ندارد. اهمیت حاکمیت قانون در پژوهش‌های صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) و شکوهی و همکاران (۱۳۹۳)، نیز مورد توجه قرار گرفته است. شهر تهران به دلیل بزرگی بیش از حد و داشتن بخش‌های مختلف و متفاوت، نیازمند رسیدگی به تمامی بخش‌ها به صورت یکپارچه و موازی است. اما در شهر تهران، معمولاً بخشی از شهر توسط دولت و سیاستگذاران مورد توجه قرار گرفته و بخش‌های دیگر از توجه لازم محروم می‌مانند. به همین دلیل است که در مناطق مختلف شهر تهران، تفاوت‌های زیادی به لحاظ امکانات شهری، مراکز خدماتی و بسیاری دیگر از امکانات وجود دارد که مشکل عمده‌ای برای کلان‌شهر تهران محسوب می‌شود. مدیریت چندگانه نیز مسأله مهمی برای آسیب‌های مدیریت سیاسی فضا در کلان شهر تهران است. در شهر تهران، سازمان‌ها و نهادهای تصمیم ساز و مجری در امورات متعدد هستند. میان نهادها و سازمان‌های تصمیم‌ساز در امور شهر تهران هماهنگی لازم وجود ندارد؛ وظایف و اختیارات نهادها و

سازمان‌های مختلف مرتبط با امور شهر تهران متداخل است و همچنین تعدد نهادهای تصمیم‌ساز و متولی در امور شهر تهران باعث عدم پاسخگویی و مسؤلیت‌پذیری آنان، تصمیمات متناقض و موازی کاری شده است. در ضمن، نهادهای سطح ملی، استانی و محلی سازمان‌های مرتبط با شهر تهران به خوبی مشخص نیست. مدیریت یکپارچه در پژوهش بنسون آو یونگ (۲۰۱۰)، نیز برای رشد شهری مورد بررسی قرار گرفته که مطابق با نتایج بدست آمده در این تحقیق است. همچنین قادری حاجیت و مختاری‌هشی (۱۳۹۶)، مدیریت یکپارچه را برای کلان‌شهر تهران مورد بررسی قرار داده که اهمیت این عامل را برای مدیریت سیاسی فضا در این شهر نشان می‌دهد. همچنین عوامل دیگری تحت عنوان ناآرامی‌ها و چالش‌های امنیتی مانند نظام نخست شهری و قطبی شده جمعیت در ایران، نابرابری‌های فضایی و توسعه نامتوازن مناطق شهر تهران، مدیریت متفرق و غیریکپارچه در تهران و جمعیت حاشیه‌نشین و پس کرانه‌ای شهر تهران وجود دارد که به دلیل افزایش ناآرامی‌ها و ناامنی در شهر، منجر به آسیب‌های مدیریت فضا در کلان‌شهر تهران شده‌اند. عوامل علی‌مشمول بر ۲ مقوله اصلی شامل تمرکزگرایی و جامعه و فرهنگ می‌باشند. در نظام سیاسی ایران، تمرکزگرایی بر اساس توجه بیش از اندازه به شهر تهران شده و تمامی مراکز سیاسی و بسیاری از خدمات شهری در این کلان‌شهر واقع شده است. این تمرکزگرایی، باعث رشد فزاینده کالبدی شهر تهران شده است. لذا تمرکزگرایی در شهر تهران و همچنین بوروکراسی و متمرکز، مانع شکوفایی استعدادها و ابتکارات محلی شده است. تمرکزگرایی امور ملی در پایتخت باعث شده تا امور ملی و محلی به خوبی تفکیک نشوند. بنابراین تمرکزگرایی یکی از مواردی است که به طور علت و معلولی از آسیب‌های مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران می‌باشند. ادینک (۲۰۱۹)، نیز به بررسی ایجاد، توسعه و تأثیر مفهوم حکمروایی خوب شهری مورد ارزیابی قرار داده که مطابق با نتایج بدست آمده از این مطالعه است. جامعه و فرهنگ نیز از طریق عدم آموزش‌های لازم به شهروندان در زمینه چگونگی رفتار شهروندی، عدم رعایت حقوق شهروندان برای کلیه افراد به طور یکسان، عدم حفظ هویت تاریخی و فرهنگی شهر و عدم توجه به بهداشت عمومی مشکلات عمده‌ای هستند که می‌توانند آسیب‌های بسیار به مدیریت سیاسی فضا در تهران وارد آورند. عوامل مداخله‌گر مشتمل بر ۲ مقوله اصلی شامل ازدحام جمعیت و مبارزه با فساد می‌باشند. به دلیل تمرکزگرایی و امکانات و خدماتی که در شهر تهران وجود دارد، بسیاری از مردم برای زندگی به سمت این شهر سرازیر شده و لذا جمعیت تهران در دهه‌های اخیر افزایش شدید داشته است. لذا ازدحام و تراکم بالای جمعیت در شهر تهران، نیازمند سازوکار ویژه مدیریتی سیاسی فضا دارد و متفاوت از سایر شهرهای ایران است. اما علی‌رغم جمعیت بسیار بالای تهران، مدیریت سیاسی فضا در شهر تهران، ارتباط سیستماتیک مدیریتی با مراکز جمعیتی پیرامون شهر تهران ندارد؛ و همچنین ازدحام و تراکم بالای جمعیت در منطقه کلان‌شهر تهران، سازماندهی سیاسی فضا را پیچیده و متداخل نموده و مشکلاتی را برای نظام سیاسی به دنبال داشته است. مشکل عمده دیگری که برای کلان‌شهر تهران وجود دارد، فساد است که در مقامات دولتی، مدیران ارشد و خدمات عمومی وجود دارد. فساد دستگاه‌های اجرایی همواره منجر به ایجاد مشکل برای کلان‌شهر تهران شده و از آسیب‌های بسیار مهمی است که برای مدیریت سیاسی فضا در تهران وجود دارد. همچنین در بسیاری از ارگان‌های دولتی بسیاری از امورات با پرداخت رشوه صورت می‌گیرد که این موضوع نیز از موارد مهم فساد در دستگاه‌های دولتی است که به نوبه خود آسیب‌های زیادی را بر شهر و مدیریت آن وارد آورده است. راهبردها مشتمل بر ۲ مقوله اصلی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌باشند. نظام سیاسی در صورتی موفق بوده و از آسیب‌های مدیریت سیاسی فضا در امان خواهد بود که به شهروندان خود حق اظهار نظر داده و همچنین در برابر خواسته‌ها و نیازهای آنان پاسخگو باشد. بنابراین نظام حقوقی شفاف و عادلانه باید وجود داشته باشد که با مردم صادقانه برخورد نموده و همچنین توزیع خدمات را به صورت عادلانه میان شهروندان تقسیم نماید. همچنین شهروندان باید در امورات سیاسی مشارکت داشته باشند. این مشارکت می‌تواند شامل تدوین برنامه‌های جامع و تفصیلی با مشارکت

شهروندان، مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی تقسیم‌بندی‌های مدیریت سیاسی و مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی‌های امور شهری باشد. صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) و شکوهی و همکاران (۱۳۹۳)، اهمیت شفافیت، پاسخگویی و حق مشارکت مردم را نشان دادند که با نتایج این بخش از تحقیق حاضر همخوانی دارد. پیامدها مشتمل بر ۳ مقوله اصلی شامل اثربخشی دولت، بهبود کیفیت مقررات و ثبات سیاسی و عدم خشونت می‌باشند. در صورتی که راهبردهای لازم برای پیشگیری از آسیب‌های مدیریت سیاسی فضا در کلان شهر تهران رعایت گردد، دولت کارا تر و توانا تر بوده که سیاست‌های خود را به نفع کسب و کار ارائه می‌دهد. کیفیت خدمات عمومی در این راستا نیز افزایش یافته که به دنبال آن، شهروندان رضایت بیشتری از این خدمات خواهند داشت. سطح عمومی قیمت‌ها با توجه به سیاست‌های صحیح کاهش یافته و یا دستمزد کارکنان افزایش می‌یابد که منجر به افزایش رفاه شهروندان خواهد شد. موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و همچنین کاهش محدودیت‌های دولتی جهت بهبود تجارت و تولید کنترل خواهند شد. همچنین به دلیل ایجاد ثبات سیاسی، خشونت در جامعه کمتر شده و تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی به حداقل خود خواهد رسید.

## References:

- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۲). *تحلیلی بر سیر نامگذاری واحدهای سیاسی - اداری در ایران*. فصلنامه مدرس، دوره ۷، شماره ۲.
- احمدی‌پور، زهرا؛ مختاری‌هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ وزین، نرگس (۱۳۸۶). *بررسی روند توسعه یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور، مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه*. فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۷.
- احمدی‌پور، زهرا؛ میرزایی‌تبار، میثم (۱۳۹۰). *نقش احساس مکانی در سازمان‌دهی سیاسی فضا*. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲.
- افضلی، رسول؛ یاری، احسان؛ مرادی، اسکندر؛ ولی‌زاده، اکبر (۱۳۹۲). *تحلیل گفتمان ژئوپلیتیک دولت مدرن در مدیریت سیاسی فضا در ایران*. فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۱، شماره ۳۹.
- آخوندی، عباس؛ برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ طاهرخانی، حبیب‌الله؛ بصیرت، میثم؛ زندی، گلزار (۱۳۸۶). *حاکمیت شهر - منطقه تهران، چالش‌ها و روندها*. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۴). *القبای شهری*. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- پرهیزکار، اکبر؛ کاظمیان، محمد (۱۳۸۴). *رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان‌شهر تهران*. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۶.
- پورجعفر، محمدرضا؛ خدائی، زهرا؛ پورخیری، علی (۱۳۹۰). *رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و بارزده‌های توسعه پایدار شهری*. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۳.

پورطاهری، مهدی؛ نظری، ولی‌اله؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ احمدی‌پور، زهرا (۱۳۹۰). *نقش ارتقای سطوح مدیریت سیای فضا در توسعه روستایی با تأکید بر ایجاد استان‌های جدید*، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، شماره ۳، صص ۵۲-۲۵.

پورموسوی، سیدموسی؛ میرزاده‌کوهشاهی، مهدی؛ رهنما، جهانبخش (۱۳۸۷). *سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران*. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره ۳.

پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ مرادی‌نیه، سجاد؛ مؤمنی، حمیده (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلان-شهر تهران*. جغرافیا، دوره جدید، دوره ۱۱، شماره ۳۸.

حافظانیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم؛ احمدی‌پور، زهرا؛ فانی، علی‌اصغر (۱۳۹۲). *مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز*. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۹، شماره ۱.

حافظانیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران، انتشارات سمت.

حسینی، سیده‌ادی (۱۳۹۵). *تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران*. مطالعه موردی شهر تربت حیدریه، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲۰.

حمدی، کریم؛ امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۹). *کلان‌شهر تهران بزرگ و چالش‌های مدیریت شهری*. فصلنامه جغرافیای سرزمین، دوره ۷، شماره ۲۶.

خداشاهی، علی؛ رهنمایی، محمدتقی؛ مدیری، مهدی (۱۳۹۷). *تحلیل راهبردی چالش‌های مدیریتی کلان‌شهر تهران با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری*. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴.

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴). *تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی*. فصلنامه دانشور رفتار، دوره ۱۲، شماره ۱۱، صص ۷۰-۵۷.

شریف‌زادگان، محمدحسین؛ شمس‌کشکولی، هانیه (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران*. مدیریت شهری، شماره ۲۴.

شکوهی، محمد؛ رهنما، محمدرحیم؛ گوهری قاسم‌پور، نسرین (۱۳۹۳). *شناسیم کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی*. مشهد.

صفایی‌پور، مسعود؛ امان‌پور، سعید؛ نادری چگینی، زهرا (۱۳۹۲). *ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم‌آباد*. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره ۵، شماره ۱۷.

عزیزی، محمدمهدی؛ ایوبی‌اردکان، محمد؛ نوری، نسرین (۱۳۹۱). *بررسی نقش کنشگران و ابزارهای مدیریت شهری در یکپارچگی مدیریت کلان‌شهر تهران*. مدیریت شهر، دوره ۶، شماره ۱۰.

عسگری، علی، همکاران (۱۳۸۳). *طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری ایران*. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.

علیخان گرگانی، روح‌الله؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ معمارزاده، غلامرضا (۱۳۹۳). *مطالعه عناصر ساختاری الگوی مدیریت شهری تهران در حوزه‌های شش‌گانه شهری*. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۶

عیوضلو، داود؛ رضویان، محمدتقی (۱۳۹۷). *ارزیابی وضعیت مدیریت شهری کلان‌شهرها مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری*. جغرافیا و توسعه، شماره ۵۲

فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۰). *توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی*، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۰۵-۸۹.

قادری‌حاجت، مصطفی؛ مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۷). *عدالت فضایی در ایران و سامان‌دهی سیاسی فضایی شهر تهران*، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، شماره ۱.

قالیاف، محمدباقر؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ محمدپور، علی (۱۳۹۲). *نقش تقسیمات شهر در مدیریت یکپارچه شهری، مطالعه موردی تهران*. فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، دوره ۱۱، شماره ۳۷.

محمدی، حمیدرضا؛ رومینا، ابراهیم؛ سلیم‌نژاد، ندیمه (۱۳۸۷). *تحلیل جغرافیایی منابع تهدید ملی در ایران*. فصلنامه ژئوپلیتیک، تابستان، شماره ۱۲.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. سایت مرکز آمار ایران.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۵). *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها*. جلد اول، پروژه تحقیقاتی، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، تهران.

میرحیدر، درّه؛ ذکی، یاشار (۱۳۸۱). *بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران*. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲.

البیگاریسیادیچ، برونیسلو (۲۰۱۱). *نظریه‌ای نو درباره جغرافیا*. ترجمه محمد مهدی شیرازی، چاپ دوم، انتشارات: کاوه، تهران.

Addink, H (2019). *Good Governance: Concept and Context, Oxford University Press*. Illustrated edition (June 18).

Bailey, D., Koney, K.M (1995). *Community based consortia: One model for creation and development*, Journal of Community Practice, 2(1), pp. 46-59

Barlow, I.M (1991). *Metropolitan government*. Routledge, London.

Bugliarello, G (2006). *Urban sustainability: Dilemmas, challenges and paradigms*. Technology in Society.

Creswell, J.W (1998). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Traditions*. Sage, Thousand Oaks, CA.

Gazendam, H.W (2000). *Coordination Mechanisms in Multi-Actor Systems*. Netherlands: Twente University.

- Glaeser, E (2011). *Triumph of the City: How our Greatest Invention makes us Richer, Smarter, Greener, Healthier, and Happier*. Penguin Press, New York.
- Glasser, B (1992). *Emergence is forcing: Basics of grounded theory analysis*. CA: Sociology Dress.
- Harvey, D (1985). *The Urbanization of Capital: Studies in the History and Theory of Capitalist Urbanization*. Johns Hopkins University, Baltimore.
- He, Y., Shi, D (2009). *Study on Grounded Theory in Social Surveys*. 5, pp. 46-48.
- Hildebrand, B (2004). *Gemeinsames Ziel, verschiedene Wege: Grounded Theory und Objektive Hermeneutik im Vergleich*. Sozialer Sinn, 4(2), 177-194.
- Markey, K., Tilki, M., Taylor, G (2020). *Practicalities in doctorate research of using grounded theory methodology in understanding nurses' behaviours when caring for culturally diverse patients*. Nurse Education in Practice, 44.
- Mulford, C. L., Klomglan, G. E (1992). *Creating Coordination among Organizations*. U.S.A.: North Central Region Extension Sociology Committee.
- Omri, A., Mabrouk, N.B (2020). *Good governance for sustainable development goals: Getting ahead of the pack or falling behind?*. Environmental Impact Assessment Review 83.
- Stephens, C., Satterthwaite, D (2008). *Urban health in developing countries, Environmental Impact Assessment*, Review, 20 PP: 299- 310.
- Strauss, A., Corbin, J (1994). *Grounded theory methodology: an overview, in Denzin, N. and Lincoln. Y. (Eds), Handbook of Qualitative research*, N.P: Sage publications.
- Sun, X (2011). *Grounded theory: theory-development in in-depth interview research*. J. Xi'an Jiaot. Univ. 31(6), pp. 87-92.
- Wagner, S.M., Lukassen, P., Mahlendorf, M (2010). *Misused and missed use — Grounded Theory and Objective Hermeneutics as methods for research in industrial marketing*. Industrial Marketing Management, 39(1), pp. 5-15.
- Wood, C (2006). *Scope and Patterns of Metropolitan Governance in Urban America*", American Review of Public Administration, Vol. 36, No. 3, pp. 337-353.
- Young, B (2010). *Reconfiguring socialist urban landscapes: the 'left-over' spaces of state-socialism in Bucharest*. Journal of Studies and Research in Human Geography (2010) 4.1, pp. 5-16
- Zhang, J., Ma, D (2009). *Application of Grounded Theory Method in Management*. pp. 115-117.